۶۷/۱۱/۲۴ درنتیجه یک عملیات مجاهدین در قلاتک سالنگ ۲۲ میل کلاشینکوف ۳ میل هاوان یک پایه مخابره یک میل راکت یک میل پیکا بدست مجاهدین سربکف اسلام افتاد.

دراثر عملیات دیگر مجاهدین مجاهدین بتاریخ ۲۶ ـ دلو در لوان سالنگ چهار صاحب منصب کشته ۱۲ عسکر زخمی و ۴ میل سلاح به غنیمت گرفته شد.

درنتیجه عملیات شدید و قهرمانانه مجاهدین سالنگ بتاریخ ۲۷ دلو بالای قطارهای دولتی درشاهراه، ۵ دستگاه تانک غول پیکر دشمن، ۶ دستگاه ماشین محاربوی، ۷ عراده موترحامل مهمات، یک ضرب توپ ابوس و ۸ عراده تانکر تیل کاملا" به آتش کشیده شد ۱۵ صاحب منصب و ۵ عسکر با ۲۰ میل سلاح پیاده، دو میل راکت، یک میل هاوان، دو قبضه تفنگچه به اسارت درآمدند.

درطی عملیات دیگر مجاهدین بتاریخ ۶۷/۱۱/۲۸ ـ و ۱۱/۳۰ درهیجان سالنگ یک میل پیکا و ۵ میل کلاشینکوف بدست مجاهدین افتاد و یکتعداد از قوای دشمن به هلاکت رسید.

همچنان دراثر عملیات موفقانه مجاهدین درآهنگران سالنگ ۱۴ دستگاه تانک و ۶ عراده موترکاملا" حریق شد.

درنتیجه عملیات سه روزه مجاهدین اورتی سالنگ بتاریخ ۲۵-۲۶-۲۷ دلو ۱۳۶۷ دو دستگاه تانک و ۶ عراده موتر حامل مهمات به آتش کشیده شد و بیش از ۵ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی گردیدند و دو پوسته اشغال و ۴ میل سلاح

پیا ده‌ویک میل را کت اندا زثقیل ویک میل پیکا به‌غنیمت گرفته‌شدودرجریا ن این عملیا ت چندین تن ا زمجا هدین شهیدومجروح گردیدند .

۲۸ دلو ۱۳۶۷ بعدا زسه‌روزنبردشدیدمیا ن مجا هدین و کنک ها ی دولتی مستقردرهیجا ن سا لنگ کندک مذکوربدست نیرومندمجا هدین دلیرفتح گردید . درین عملیا ت دو تن ا زا فسرا ن وسربا زا ن دولت کشته‌و ۳۲ تن ا سیرشدند ۶۰میل سلاح پیا ده‌یک میل ها وا ن، ۷ میل را کت ۳ میل نا رنجک اندا زثقیل، دوقبضه‌تفنگچه‌ومقا دیرزیا دی مهما ت‌بغنیمت مجا هدین درآ مدهمچنا ن درین عملیا ت قهرما نا نه‌مجا هدین ۶ دستگا ه‌ما شین محا ربوی، ۵ دستگا ه‌تا نک غول پیکر به آ تش کشیده‌شد .

درا ثرعملیا ت تا ریخی ۵ حوت مجا هدین با لای پوسته ها ی گا ردخا ص مستقردرهیجا ن سا لنگ ۲۰ تن عسکر وا فسر ا سیر (۱۵ کلاشینکوف ، ۳ میل درا گنوف ، یک میل ها وا ن به‌غنیمت مجا هدین درآ مد . ،

دولت مزدوربخا طرا نتقا م کشی ا زمجا هدین وگشود ن شا هرا ه‌سا لنگ بتا ریخ ۸ حوت دست به‌حمله‌شدیدبا لای موا ضع مجا هدین درهیجا ن زدکه‌درنتیجه‌مقا ومت مجا هدین با دا دن تلفا ت سنگین مجبوربه‌عقب نشینی شددرجریا ن این زدوخوردها ۲۵ میل کلاشینکوف ، یک میل را کت به غنیمت گرفته‌شدو ۱۱ تن ا زا فسرا ن وسربا زا ن دولت به ا سا رت در آ مدند .



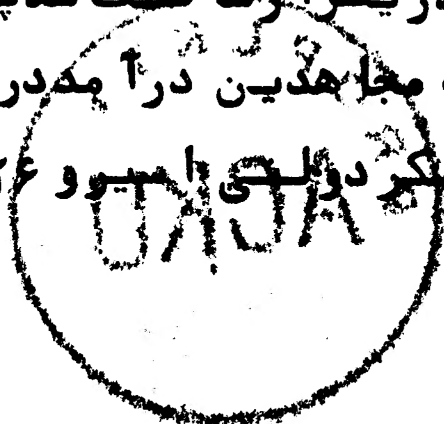
درنتیجه عملیات هماهنگ مجاهدین بتاریخ ۱۲ حوت ۶۷ درسالنگ ، مرکزچاریکاروبگرام سه پوسته مستحکم دولت در دهنه ریگزار سالنگ بدست مجاهدین افتاد درتتم دره دو دستگاه تانک وسه عراده موترکاملا" حریق گردید . ودر اثر انداخت سلاح ثقیل مجاهدین بالای میدان هوائی بگرام ۸۰ نفرکشته و ۴۰ تن اسیرشدندهمزمان با عملیات های فوق الذکرشهرچاریکاروقلعه سرخ نیززیرضربات سلاح ثقیل مجاهدین قرارداشت .

دراثرعملیات موفقانه مجاهدین بتاریخ ۱۵ حوت درسالنگ ۳۰ تن ازافراددشمن اسیرویکدستگاه ماشین محاربوی ویک عراده موترحریق شد .

بتاریخ ۱۵ حوت دراثرعملیات دیگرمجاهدین دلیر اسلام وحملات متقابل توپخانه دشمن بالای مناطق سالنگ ، چاریکار ، تتم دره ، کوه بندهای پروان وعبدالله برج سه پوسته دولتی بهاشغال مجاهدین درآمده و ۲۰ تن ازاهالی بیدفاع مناطق متذکره جام شهادت نوشیدند .

درهمین تاریخ یک فروندهلیکوپتر دولت کابل هدف اصابت مرمی دهشکه مجاهدین درپروان قرارگرفته وسقوط نمودوجکتورن حکیم وردک قوماندان گارددرداخل طیاره کشته شد .

طی یک عملیات موفقانه دیگرمجاهدین بتاریخ ۲۰ حوت دردهنه ریگزارسالنگ سه پوسته دولتی با مرکزآنها کاملا بتصرف مجاهدین درآمدودرنتیجه ۳۲ تن ازصاحب منصبان وعسکردولتی اسیرو ۲۶ دیگرشان بقتل رسیدند ۲۹



میل کلاشینکوف ، یک قبضه میکاروف ، ۲ میل دهشکه ، سه میل هاوان به غنیمت گرفته شد . درجریان این عملیات مجاهدین سه دستگاه تانک غول پیکر دشمن با آتش کشیده شد .

غند ۵۰ فرقه ۱۸ مزارشریف که در اولنگ سالنگ مقر داشت وقرار بود جهت تقویه نیروهای رژیم وارد جلال آباد گردد ، در اثر کار و تلاش مجاهدین اسلام غند مذکور بتاریخ ۲۴ حوت با تمام پرسونل وسلاح ووسایط خویش تسلیم مجاهدین گردید عنصر فعال در پیوستن این غند جگتورن عبدالصبور مسکونه نجراب است که سمت معاونیت غند را بدوش داشت درجریان این تسلیمی ۱۷۰ میل کلاشینکوف ، ۵ میل ماشیندار خفیف ، ۶ میل راکت ، ۵ میل پیکا ، ۵ میل هاوان وسط ، یک ضرب توپ ۷۶ ملی متری صحرا ، یک ضرب توپ ۵۷ میلی متری دافع تانک ، یک ضرب توپ ۲۳ میلی متری دافع هوا ، ۱۲ دستگاه زرهپوش وتانک غول پیکر ۱۴ عراده موترحامل مهمات ومواد خوراکی ۶ پایه مخابره آر ۱۰۵ - ۴۳ تن صاحب منصب و ۱۶۵ تن عسکر به مجاهدین سالنگ پیوستند . شاهراه سالنگ برای دولت راه حیاتی ودرحقیقت شاهرگ حیات اوست . بناء به هرقیمت باید حفظ شود وبا دوام در جهت کنترول آن شاهراه اقدام کند بعد تسلیمی غند ۵۰ فرقه ۱۸ به مجاهدین غند ۶۲ همان فرقه را درسالنگ استقرار داد . این غند وظیفه دارد تا پوسته های از دست رفته دولت درطول شاهراه قسمت جنوبی سالنگ را بدست آورد وبهمین منظور حملات شدید را کتی وبمباردمان و قوای پیاده را بالای مواضع مجاهدین براه انداخت درنتیجه بر

خوردومقاومت مجاهدین دلیر اسلام دگروال امان الله نوری قوماندان کندک با ۳۵ تن دیگر از قوای مزدور روانه جهنم گردیدند.

در اثر عملیات پیروزمندانه مجاهدین در اوایل حمل ۱۳۶۸ بالای گارنیزیون اولنگ که محل تجمع قوای کمکی و تقویتی دولت به جلال آباد بود ۵۰ تن از نظامیان دولت کشته و ۴ عراده وسایط تخریب گردید که بهمین ترتیب به اثر عملیات مجاهدین از منطقه ریگزار سالنگ ۲۰ نفر اسیر و ۴۰ نفر کشته شدند و ۳ دستگاه تانک غول پیکر دشمن تخریب گردید.

طی عملیات دیگر مجاهدین بتاریخ ۱۵ حمل ۱۹۶۸ در منطقه سنگ نقش سالنگ یک میل پیکه، وسه میل کلاشینکوف به غنیمت گرفته شد و ۱۵ تن از قوای دولتی بهلاکت رسیدند.

در اثر عملیات صبورانه مجاهدین دشت پروان بالای پوسته های کلنیک چاریکار، بتاریخ ۱۷ حمل ۵۰ تن از قوای دولتی کشته و ۱۵ عراده وسایط دشمن بآتش کشیده شد.

درنتیجه یک عملیات دیگر مجاهدین بتاریخ ۶۸/۱/۲۰ درسنگ نقش سالنگ سه میل کلاشینکوف، یک میل پیکا، و دو میل راکت به دست مجاهدین افتاد و ۲۰ نفر از قوای دولتی کشته و دو تن اسیر شدند.

بتاریخ ۱۳۶۸/۱/۱۲ درجریان عملیات مجاهدین سالنگ یک میل دراگنوف و دو میل کلاشینکوف به غنیمت گرفته شد.

درنتیجه عملیات مورخ ۱۳۶۸/۱/۶ در منطقه قلاتک سالنگ شش دستگاه تانک حریق ۳ میل کلاشینکوف ویک میل پیکا به غنیمت گرفته شدو یکصد تن از قوای دولتی به اسارت مجاهدین درآمدو یکتن از مجاهدین جراحت برداشت.

بتاریخ ۷ حمل ۱۳۶۸ دراثر عملیات مجاهدین ده نفر از قوای دولتی درسالنگ کشته شدو بتاریخ ۸ حمل ۶۸ دراثر حمله دولت بالای منطقه قلاتک زدوخوردی میان مجاهدین و قوای دولتی درگرفت یک مجاهد زخمی و ۸ نفراز قوای دولتی کشته شدند.

دراثر عملیات دیگر مجاهدین دلیرسالنگ بالای کندک قومی خوشحال مینه مستقر درقلاتک وجعفرک بتاریخ ۲۴ حمل ۶۸ شش افسرودو عسکراز نیروهای دولتی اسیر و ۲۰ نفر کشته وچندتن دیگر زخمی شدند درمیان کشته شدگان خلیل خسروکمونیست سرشناس بودکه دولت ازاو تجلیل زیاد کرده وجسداورا طی مراسم شانداری بخاک سپرد. در جریان این عملیات ۸ میل سلاح ویکپایه مخابره به غنیمت مجاهدین درآمد درنتیجه عملیات مورخ ۲۶ حمل مجاهدین در سرته کچه سالنگ به تعداد ۳۰ نفراز نیروهای دولتی کشته شدند برعلاوه عملیات مجاهدین که ضمن آنها یک تعداد زیاد سلاح وافراددشمن را بدست آوردند دراثر ترس ووحشتی که از اثر عملیات درسالنگ ایجاد شده بود یکتعداد پوسته های دولتی به مجاهدین تسلیم شدند.

بتاریخ ۲۷ دلو سه دسته از عساکر مسلمان مربوط به قوای رژیم ملحد کابل درسالنگ با سلاح خود تسلیم مجاهدین شدند.

همچنان بتاریخ ۸ حوت ۶۷ هشت تن از سربازان مسلمان پس از کشتن معاون سیاسی با هشت میل سلاح به مجاهدین شغال کنده سالنگ پیوستند .

بتاریخ ۱۷ حوت ۱۳۶۷ یک پوسته دولتی با پانزده میل سلاح دست داشته خویش تسلیم مجاهدین درسالنگ گردند .

بتاریخ ۲۶ حوت ۱۳۶۷ شش تن از عساکر مسلمان در جبل السراج با یک پوسته دیگر درپل متک تسلیم مجاهدین شدند .

بطورمجموع درطول دوماه جنگ شدید مجاهدین شورای نظار درسالنگ وپروان نتایج وغنایم ذیل بدست آمده است:

کلاشینکوف	۷۱۸	میل
پیکه	۲۳	میل
راکت	۱۸	میل
تفنگچه	۶	قبضه
دهشکه	۴	میل
زیکویک	۵	میل
هاوان	۲۸	میل
نارنجک انداز	۵	میل
دافع هوا	۴	میل
توپ دافع تانک	۵	ضرب
توپ ۷۶ صحرا	۱	ضرب
مخابره مختلف	۱۵	پایه
اسیر	۸۰۰	تن

کشته	۵۵۰	تن
تسلیم	۳۰۰	تن
وسایط حریق شدگی تخریب		
ویا بدستآمده	۲۵۰	عراده

مجاهدین واهالی

۳۰۰ تن اهالی بیدفاع شهید
۴۰ تن مجاهدزخمی
۶۰ تن مجاهدشهید

خوانندگان محترم !

با مطالعهٔ گزارش مختصرعملیاتهای مجاهدین شورای نظاردرسالنگ وپروان روشن گردیدکه‌شورای نظارمسئولیت خودرا درقبال جنگ ومجاهدین جلال آباددرک وادا نموده است پس مسئولیت شکست جنگ جلال آباد همانگونه‌مربوط به مجاهدین جلال آباد نیست مربوط به‌مجاهدین شورای نظار هم نیست .

پس مسئول اصلی کیست ؟

مسئولیت شکست جنگ جلال آباد بدوش کسی است که از آغاز جنگ را غلط طرح ریزی نموده‌بود . یعنی کسیکه می خواست همه‌چیزرا با الفاظی وحرف حل کندوبرطبق عادت دیرینه‌خودتمام افتخارات ، پیروزیها ودستآوردهای دیگران

را بخودنسبت دهدودرمقام سخن گوی قرارگیرد. ولی هنگامیکه شکستها جای موفقیتها را می گیردوباصطلاح جلو صاف از آب بیرون می آیدوبازبخاطرحفظ مقام وتبرئه خویش به شایعه سازی واتهام، روآورده میکوشندبارمسئولیت را بدوش دیگران انداخته وبدینوسیله ضعف شخصیت و رهبری غلط خودرا درهالهٔ ایرادات ها مات بدیگران بپوشانند و ذهنیت های عامه را ازدرک واقعیت ها منحرف سازند.

اکنون بایدمقایسه وارزیابی شودکه همزمان با جنگ جلال آباد آنها ئیکه خودرا طراح وتیکه دارجنگ جلال آباد معرفی میکردندمصروف چه کاری بودند.

یکی ازجبهات عمدهٔ آنها درپروان کاپیسا، جبهه کوهستان است. مسئولین این جبهه برخلاف فیصلهٔ رهبران محترم جهادی ومجاهدین کشورکه مصالحه ملی پیشنهادی رژیم مزدوررا ردکردند، بارژیم می نشینندوبا امضای پروتوکول مطابق به مشی بداصطلاح مصالحه ملی، ولایت کاپیسا وشعبات مربوط بآنها را بانساجی گلبها را ز رژیم تسلیم می گیرندومطابق به خواست رژیم که میخواهند مجاهدین را بادادن خودمختاری محلی وتشکیل اداره مشترک به موضع سازش بکشانند اداره مشترکی را بوجودمی آورند. پروتوکول را مسئول فرهنگی حزب اسلامی بنام حاتم امضاء مینماید. غلام غوث که عضورابط درین زمینه بودبه حیث والی کاپیسا به توافق هردوجانب تعیین میگرددودر ساحه نساجی باتمام ارگانهای خودبا یک پایه مخابره دور منزل که مستقیما باکابل درتماس است کارمیکند.

مطابق این پروتوکول دولت پس از تحویل دهی ۳۰۰ میل سلاح خفیف مسئول این جبهه و تعیین تورن حبیب به حیث قوماندان امنیه کاپیسا و نساجی و دادن مبلغی بطور ماهانه بنام معاش محافظین و کارگران نساجی قوای خود را بتاریخ ۱۱ جدی ۱۳۶۷ از نساجی که مرکز ولایت کاپیسا است بیرون کشید.

درهمین ایام موترحامل مواد امدادی با مبلغ چهل میلیون افغانی از طریق سرک چاریکار به مسئولین جبهه میرسد. وروی تقسیم پول ومواد امدادی برخورد مصالحتانه بین مسئول جبهه ومعاون او مولانا صادق صورت میگیرد.

بلی. زمانیکه مجاهدین جلال آباد گروه گروه به شهادت میرسند بزرگترین جبهه اینها مصروف چنین زد و بند ها بوده است جبهات ایشان نه تنها در کاپیسا مصروف چنین معاملاتی با دولت بود بلکه سایر جبهات آنها درپروان، سالنگ شمالی، کیله گی بغلان وبدخشان نیز مصروف همچو معاملات مشابهی بوده اند.

قوماندان این حزب درسالنگ شمالی با سیدنادر ی پسر سید کیان وقوماندان فرقه قومی ووالی بغلان، بتوافق میرسند. ممانعت قوماندانهای این حزب از جمله مجاهدین بغلان وخنجان بالای مرکز دشمن وممانعت جبهه (ارگو) از عملیات مجاهدین بالای شهر فیض آباد کاملا" مشهود است اینها اتهامات بی بنیادی نیست کدگویا ما به رقبای خود نسبت داده باشیم، بلکه واقعیتهای عینی است که تحقق یافته است. بخاطر اثبات این واقعیتها هیئت های احزاب

برا درودولت اسلامی موءقت میتوانددا خل منطقه‌شده‌ومسایل را تحقیق وآنگاه‌قضاوت کنند .

بهمه‌بهترمعلوم است که‌حزب اسلامی درشرایط آرام ادعای اکثریت را درداخل افغانستان می نمایدولی زمانیکه‌پای عمل وتجربه‌درمیان می آیدگناه‌عمل نکردن خودرا بدوش دیگران می اندازندوعملکردجبهات مربوط به‌خودرا فراموش میکنند .

باید گفت که‌آنها ئیکه‌جراًت طرح ریزی جنگ را به‌خودداده‌اند بایست شجاعت قبولدارشدن نتایج وعواقب آن را نیزداشته‌باشند . تلاش برای اینکه‌بارمسئولیت بدوش دیگران افتدتلاشیست بیهوده‌وبی فرجام .

طراحان جنگ نه‌تنها درپلان ونقشه‌جنگ دچار اشتباه شدندبلکه‌درعرصهٔ تبلیغاتی نیزاشتباه‌بزرگی را مرتکب گردیدندبرهیچکس پوشیده‌نیست که‌دستگاه‌رسمی نشرات افغان نیوزایجنسی مربوط به‌حزب اسلامی است نشرات این دستگاه‌درروزهای نخست جنگ چنان وانمودمیکردندکه‌جلال آباددرظرف سه‌روزسقوط خواهدکرد . رهبراین تنظیم در زیا ضاعلام نمودکه‌طی سه‌روزجلال آبا دفتح خواهدشد اما چنانچه‌همه‌دیدندودیدیم واقعیتها خلاف آنچه‌راکه ایشان پیش بینی کردندثابت ساخت اعلام اینکه‌ما جلال آبا درا طی سه‌روزفتح می کنیم ومرکزحکومت انتقالی را به‌آنجا نقل میدهیم، دورازهرنوع احتیاط سیاسی وتبلیغاتی بود .

حال وقتیکه‌طرح ازآغا زغلط بوده‌باشد، غلط تبلیغ وغلط رهبری شده‌باشدوازهمه‌عمده‌تراینکه‌این پلان از قبل

افشاء هم شده باشد دیگر در عالم اسباب ـ چه امیدی به پیروزی آن داشت.

بنابرین بایست به تلخی اعتراف کرد که مسئولیت اصلی شکست جنگ جلال آباد بدوش طراحان آن جنگ است نه بدوش جبهات عمده کشور در داخل افغانستان.

دلیل تبلیغات سوء علیه شورای نظار:

خوانندگان محترم شاید در ذهن شما این سوال مطرح شود که پس علت اینهمه تبلیغات علیه شورای نظار چیست؟

درپاسخ این سوال میتوان گفت که نه تنها حالا بلکه از همان آوان آغاز انقلاب و حتی قبل از وقوع کودتای ننگین ثور ۱۳۵۷ـ سردمداران حزب را چنین عادت بوده که علت هر شکستی را به نحوی یا توجیه می نمایند که گویا خداوند این شکست را خواسته و یا بار مسئولیت را بدوش دیگران می اندازند و همیشه از حیاء و احتیاط کاری های جانب مقابل که مبادا دشمنان اسلام از این کشیدگیها و خلا ها استفاده نمایند، استفاده برده است شکست کودتا در سال ۱۳۵۳ـ ناکامی عملیات چریکی به تعقیب آن کودتا در همان ایام، شکست عملیات چریکی در سال ۱۳۵۴ در پنجشیر ـ لغمان ـ کنر... افشای چندین کودتا در طول تسلط کمونستها بعد از سال ۱۳۵۷ بازی به سرنوشت هزاران جوان مسلمان مبارز وابسته به اسلام و آزادی کشور به قیمت جان و خون آنها تمام شده است و هم نمونه هائی هستند که رهبری حزب اسلامی مسئولیت هر یکی

ازآنها را با تیزدستی تمام بدوش سایرین گذاشته است و حتی درین راه از اتهامات ناروا وقتل برادران هم رزم خود مانند انجنیر جان محمدشهیددریغ ننموده اند حال که جنگ جلال آباد به مشکلات و موانع روبروشده روءیای بقدرت رسیدن وتصرف تاج وتخت کابل دورترجلوه میکندسردمداران حزب اسلامی نتوانسته اندبا یک تیردوهدف را شکارکنند .هم شکست خوددرجلال آبادرا طبق عادت قبلی بدوش دیگران بار میکنندوهم شورای نظاررا که امیدی برای مجاهدین و مردم کشورگردیده است با نسبت دادن اتهامات ناروا ، بد نام سازند. درحالیکه بهترآن بودازشکستهای خودانتباه میگرفتندولوبرای یکبارهم که شده بودازمرکب غرورو خود خواهی خودپائین می آمدندودربرابر پروردگارمخلوق بخصوص مردم مجاهدجلال آباد وعامه کشوراحساس مسئولیت می نمودندوبه صدای وجدان خودپاسخ مثبت گفته وشجاعانه می سنجیدندکه واقعا علت این همه شکست های مسلسل وبخصوص شکست اخیرکه صدمهء جبران ناپذیری برپیکرجهاد وارد آورده است ، زاده ساده اندیشی وسطحی نگری وتصمیمات عجولانه ونیت نادرست ایشان است به یقین اگرشجاعت بخرج دهند بی طرفانه مسایل را بررسی نمایند ، به این حقیقت خواهند رسید که همیشه مسایل را سطحی می انگارند. عجولانه تصمیم می گیرندوهموار ه نیت نادرستی درعقب تصمیمات ایشان بوده است .

والسلام



بسم الله الرحمن الرحیم

شورای نظار وجنگ جلال آباد .

هموطنان مسلمان ما اطلاع دارندکه اخیراً از جانب منابع معلوم الحال شایعاتی پخش گردیده است که گویا شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان درجنگ جلال آباد که از مهمترین وخونین ترین جنگهای مجاهدین بحساب میرود رفع مسئولیت ننموده ودرجهت پراگنده ساختن جنگ مصروف ساختن قوای دشمن و مسدودکردن شاهراه سالنگ اقدامات به عمل نیاورده است واین امرسبب شدکه مجاهدین درجلال آباد نتوانند به اهداف خوددست یابند .

خوانندگان محترم : ضمن مطالعه این نوشته کوتاه درخواهند یافت که حقیقت این شایعه سازی ها چیست ؟ آیا شورای نظارکه جبهه منظم و مستحکمی درداخل کشور و چشم امید مردم است واقعاً درقبال این جنگ بی تفاوت بوده وبرادران مجاهد جلال آباد را تنها گذاشته است واگر برخلاف، شورای نظار عملاً" رفع مسئولیت نموده وبرادران مجاهد خود را تنها نگذاشته است ، پس علت اصلی این تبلیغات سوء وشایعه پراگنی ها چیست وچه دستی درعقب این دستگاه فعالیت می نماید .

خصوصیات جنگ جلال آباد:

درست بیست روز بعد از خروج قوای روسی از افغانستان بتاریخ ۱۵ حوت ۱۳۶۷ - جنگ در جلال آباد آغاز شد این جنگ از نظر کمی و کیفی و زمانیکه بوقوع پیوست دارای خصوصیات خاص خود است که عمده ترین آنها را ذیلا برمی شماریم:

۱- جنگ جلال آباد اولین تعرض وسیع مجاهدین بالای دشمن بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان است که دارای اهمیت خاص سیاسی و نظامی میباشد.

۲- این جنگ از نظر کمیت قوای دو طرف درگیر و خاصیت تعرضی خود از وسیعترین جنگ ها ست.

۳- زمانیکه جنگ جلال آباد آغاز شد بیش از نیمی از قیمتهای افغانستان زیر پوشش برف سنگین قرار داشت.

۴- درین جنگ جبهات عمدهٔ داخل کشور به شمول شورای نظار قبلا در جریان گذاشته نشده و از آنها تقاضای همکاری صورت نگرفته است.

۵- شاهراه کابل جلال آباد در جریان این جنگ غالباً باز بوده است.

۶- اصل (غافلگیری) درین جنگ مراعات نگردیده است.

۷- وحدت قوماندۀ و هماهنگی در جنگ وجود نداشت.

بناءً جنگ جلال آباد با همچو خصوصیات و شرایطی آغاز گردید و متأسفانه اهداف و نتایجی که این جنگ بخاطر آن به راه افتیده بود بدست نیامد.

اکنون این سوال مطرح میشود که مسئولیت این وضع بدوش کیست؟ چرا برادران مجاهد جلال آباد نتوانستند به اهداف خود دست یابند؟ آیا دلیل آن این است که جبهات عمدهٔ کشور بشمول شورای نظار با مجاهدین جلال آباد همدردی و همنوایی نکرده اند؟ یا اینکه این مسئله به طراحان و سازمان دهندگان اصلی جنگ جلال آباد مربوط می شود؟

مجاهدین جلال آباد مسئول نیستند:

درقسمت مسئولیت برادران مجاهد جلال آباد همانگونه که به همگان معلوم است مجاهدین واقعا با تلاش وجدیت تمام بخاطر تحقق اهداف وانجام وظیفه خویش فداکاری وایثار قابل تقدیری ازخودنشان دادند به نحو یکه روزانه درجریان جنگ ده ها تن به شهادت میرسیدندوصد ها تن دیگر جراحت می برداشتند مجاهدین درحالیکه ده ها تن بم بالای شان ریخته میشدبا شجاعت واستقامت بمباران و پرتاب موشکهای دشمن را با تمام شدت وقوتش تحمل نموده وتا مدتها جنگ را ادامه دادند بعبارهٔ دیگر مجاهدین جلال آباد وظایف خویش را درجریان این جنگ انجام داده اند. پس نباید مجاهدین جلال آباد را مسئول بی نتیجه ماندن جنگ دانست.

جبهات عمده کشور نیز مسئول نیستند :

جبهات عمده داخلی منجمله شورای نظار را نیز نمی توان درین رابطه مسئول شناخت زیرا :

۱- برف باری وسرمای شدیدو بی سابقه زمستان ۱۳۶۷ امکان هرنوع تحرکات نظامی آنها را از بین برده بود .

۲- جبهات قبلاً" درجریان گذاشته نشده بودندتا آمادگی لازم گرفته میشدزیرا ما هرین نظامی بخوبی میدانند که برای براه انداختن یک جنگ حداقل زمان لازم بکاراست آمادگی کامل گرفته شود .

اگربا الفرض ادعا شودکه جبهات عمده کشوربا ین دلیل درجریان گذاشته نشدندکه مبادا پلان عملیات جلال آباد قبل ازموقع افشاء شوددرپاسخ باید گفت که پلان عملیات جنگ جلال آباد آنقدرمحرم هم نبودکه تنها افشای آن از طریق جبهات قوی داخل کشورمیسر میشدبلکه این جنگ قبل از هم ازطریق نشرات مربوط به حزب اسلامی افشاء گردیده بود .

عملیاتهای مجاهدین شورای نظار درجریان جنگ جلال آباد

ولی باآنهم شورای نظار باوجودصدمه شدیدیکه درا ثر حمله وحشیانه ۳ دلو ۱۳۶۷ روسها درسالنگ وسایرپایگاهها متحمل گردیده بود . با وجوداینکه بنا برمقاصدوملحوظا تیکه نزدطراحان جنگ جلال آباد بود قبلا درجریان قرار

نگرفته بودو عملاً" یک سلسله مشکلات و موانع چون سردی بی سابقه هوا ، موجودیت برف سنگین در منطقه و همچنان عدم بدست داشتن امکانات کافی برای عملیات تعرضی توانست حملات شدیدی را همزمان با جنگ جلال آباد در پروان وکاپیسا براه اندازد که اینک بطور مختصر خوانندگان محترم را در جریان عملیاتهای مجاهدین شورای نظار در ساحات پروان وسالنگ قرار میدهیم .

درا ثر عملیات پیروزمندانه مجاهدین دلیر اسلام به تاریخ ۶۷/۱۱/۲۲ بالای پوسته های کندک ۴۴ گارد خاص مستقر در سالنگ ۱۳۷ عسکر و ۱۰ افسر از نیروهای دولت مزدور به اسارت درآمدند و ۱۵۵ میل سلاح خفیف و ۸ میل هاوان وسط و مقادیری از مهمات به غنیمت گرفته شد .

بتاریخ ۱۱/۲۳ در نتیجه عملیات هماهنگی که بالای قوای دولتی در سالنگ ، مرکز فرقه ۲ از جبل السراج ، پوسته سرخ ،کندک سنگرچاریکار و میدان هوایی بگرام صورت گرفت ۸ عسکر اسیر و ۸ میل کلاشینکوف یک میل هاوان ۲میل پیکا ویک میل درگنوف و یک میل دهشکه و یک پایه مخابره در (ده نو) سالنگ بدست مجاهدین افتادو در جبل السراج که ضمن این عملیات ۴ نفر از مجاهدین مجروح شدند ۶ پوسته در میانه گذر به تصرف مجاهدین در آمد .

درهمین تاریخ مجاهدین شورئ درپروان با سواری موتر دست به یک هجوم کماندوئی بر پوسته های دولتی مستقر درپل متک زدند و در نتیجه یک تانک حریق وسه عسکر کشته شد واز مجاهدین دوتن زخمی و یکتن جام شهادت نوشید .

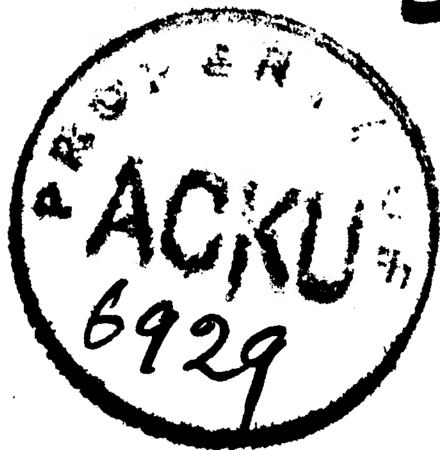
شورای نظار

وجنگ جلال آباد

کمیته فرهنگی شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان

شورای نظار

وجنگ جلال آباد



کمیتهٔ فرهنگی شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان



تیراژ:- ۳۰۰۰ جلد


الله اکبر
لا اله الا الله
محمد رسول الله
هـ ش
جمعیت اسلامی افغانستان